

برای آنان که می اندیشند.

لبخند

هرمز انصاری

سرشناسه : انصاری، هرمز، ۱۳۱۴ -

عنوان و نام پدیدآور : لبخند

هرمز انصاری

مشخصات نشر : تهران: هرمز انصاری، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۸۰ ص: ۵/۱۱×۵/۱۶ س.م.

فروست : ”برای آنان که می اندیشند“ ۳۵

شابک جلد شومیز : 978-964-04-9571-1

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : نثر فارسی -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ج۲ ۶۴۴/ن / PIR۷۹۶۲

رده بندی دیویی : ۸۶۲/۸۴۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۶۳۰۲۴

لیتوگرافی، چاپ و صحافی : فرارنگ آریا

شمارگان : ۳۰۰۰ شومیز، ۵۰۰ گالینگور

چاپ : اول، تابستان ۱۳۹۲

قیمت : جلد شومیز: ۳۲۰۰ تومان

جلد گالینگور: ۴۲۰۰ تومان

www.hormozansari.com

”انستیتو زبان سیمین“ - نبش کوچه ورنوس - بلوار کشاورز

۸۸۹۵۴۴۶۷ / ۸۸۹۵۴۴۶۹ / ۴-۸۸۹۵۱۱۵۱

برای آنان که می اندیشند.

لبخند

هرمز انصاری

پیش سخن

این کوچک کتاب که در دست دارید -
"لبخند"

در حقیقت، دنباله کتاب هایی است
که خوانده اید:

روی پاکت ها - کتاب ۱۵

حُسن شناسی - کتاب ۲۰

از بودن به شدن - کتاب ۲۵

نوشته های این کتاب ها،

که خیلی هم زیاد است

با نوشتن روی پاکت ها شروع شد -

وقتی کارت تبریک نوروزی ام را -

که در تیراژ چندین هزار چاپ می شد -

توی پاکت می گذاشتم

که به عزیزی بدهم؛

گاه آن عزیز می خواست

که اختصاصی او هم

روی پاکت، چیزی بنویسم -

این "نوشتن" ها

از کارگر ساده خانه

تا ریاست جمهوی را

در بر گرفت.

و به پَاکت و کارت
تبریک های دیگر هم رسید.
از من خواستند
که نوشته های ”روی پَاکت ها“ را مجموعه کنم؛
من هم از دریافت کنندگان پَاکت ها خواستم
تا رونوشت نوشته ها را
برایم بفرستند.
و این تقاضا را هنوز هم دارم.
حالا، دیگر، در این مجموعه
”تبریک“ از هر نوع هست –
تبریک تولد،
همسرگزینی،
سالگردها
از سفر آمدن ها
موفقیت های دانشگاهی.
که چند تای آن ها مفصل تر از آن است
که روی پَاکت نوشته شود –
توی پَاکت گذاشته شده.

۹۲/۲/۶/۲۰

و چه زیباست

زندگی

”با کسی که

زیبایی می آفریند“ –

لبخند را به جای گره ابرو می نشاند و

تفکر را به جای تحجر

بدخواهی از فرهنگ او گریخته است و

دوست داشتن ذاتی اش شده است –

دوست داشتنِ

بچه و بزرگ،

دور و نزدیک،

غریب و آشنا.

از آن چه دارد لذت می برد

به آن چه باید داشته باشد می اندیشد.

او

”مشکل“ را –

به عنوان یک واقعیت –

می پذیرد؛

آن را در یک کفه می گذارد و
در کفه دیگر امکانات و توان خود را
اگر کفه دوم سنگینی نکرد،
با دوباره نگری
و تدبیر و مشاوره و پایداری
آن را به زمین می رساند

او

همواره

با کمک دانش و تجربه و اندیشه اش
روی خود کار می کند؛
محرك هر چه باشد -
در هر وضعیتی -
او خودش است؛
خودی که در فرهنگ دوست داشتن
بال گشوده است.

فرهنگی که

اندیشه و گفتار و کردار را
هدایت می کند، راه می برد
و زیر دآوری می گذارد.

”داشتن“ را برای ”بودن“ می خواهد و
بودن را می سازد
برای به تر داشتن –
داشتن دیدی گسترده تر،
دانشی پربارتر،
اندیشه ای پرورده تر
ابزاری کارا تر
و دوست داشتنی دوست داشتنی تر

”نه“ و نمی شود و نمی خواهیم و نمی توانم را
زیر باران مثبت نگری شسته
و در پرتو آفتاب نوآوری و آینده ساز؛
آن را که باید باشد و زیباست،
می رویاند.

۹۱/۱۱/۲۵

✧ دستِ قلم به دستان را می بوسم و
گل روی
شما را
که دستِ قلم به دستان را گرفته اید.

✧ دانه، دانه
دانه های شوق دیدارت را
در باغچه دلم کاشتم و
یکجا -
در سبد آرزوها -
پیش پایت نهادم.

✧ آسمان های بلندِ زندگی
ابرهای سیاه و سفید و خاکستری را
پس زده اند
تا نظاره گر
به هم پیوستن دو ستاره عشق باشند.

✧ برای عزیزی

که حرمت انسان ها را نگه می دارد،
قدر زنده ها را می شناسد،
به بالندگی شان بها می دهد؛
و خود، همه جا، ریشه می شود
تا نهال هایی پر طراوت
قد بکشند، شاخه رویانند

و

میوه ای تازه دهند
روزگاری نو،
به شکوهمندی آرزوهایش
آرزو دارم.

✧ برای

- عزیزی که نمی شود دوستش نداشت -
آینده ای به دوست داشتنی بودن خودش
آرزو می کنم.

✧ چشم های "بهمن" با آدم حرف می زند؛
از مهربانی های درون می گوید.

سخنش نیز
نشانی از دانش و خرد است.
و رفتارش
تبلور اندیشه ای توانا.

✧ برای "پگاه" –
که نویدبخش صبح روشن است؛
راهی به روشنایی دلش،
عمری به بلندای آرزوهایش،
و دستی به گشادگی چهره اش
آرزو می کنم.

✧ راهِ
زندگیِ پر گل و پر طراوتِ تو
همواره هموار باد و
نشاط انگیز.

✧ زندگی ای به بلندای نگاه تان،
به گسترده‌گی هنرتان،
و به زیبایی رفتارتان
آرزو می‌کنم.

✧ با آرزوی آن که
دیدار پربارتان را و
گفتار آموزنده تان را
همواره داشته باشم.

✧ چشم‌هایت را -
آن چشم‌ها را که در دیدارمان سحر می‌کند -
همواره پر درخشش و مهربان
می‌خواهم.

✧ بال‌های تان بلند،
گام‌های تان محکم،
دل‌های تان روشن
همبال و همپا و همدل هم باشید.

✧ ستارگان آسمان های بلند
“عشق و زندگی”

به صف شده اند
تا
به هم پیوستن دو دلدادۀ پر نور را
هلهله کشند.

✧ برای سپنتای عزیز
آینده ای
به پر ستاره ای آسمان های صاف،
به سرسبزی دشت های پر باران،
به پُر آبی چشمه های خروشان
آرزو می کنم.

✧ عمری دراز -
به بلندای آرزوهای تان،
تنی سالم -
به توانمندی اندیشه های تان،
راهی روشن -
به روشنی دل پاک تان
آرزو می کنم.

✧ برای عزیزی
که عزیز دیگری
به خاندان بزرگ ما آورده است
آینده ای
به بلندای آرزوهایش،
به پاکی قلبش،
به درخشانی چشم هایش
به شیرینی زبانش
آرزو می کنم.

✧ دست تو را که
دست هنرمندان
و نویسندگان
و متفکران را
می فشارد
با تمام وجود
می فشارم.

✧ ستاره های پرنور
"عشق و دلدادگی"
در آسمان بلند
"شور زندگی"
در میزبانی
دو دلداده
آغوش گشوده اند.

✧ "درد"
لازمهٔ حیات است؛
دردهای انسان
تنها دردهای فیزیکی نیست؛
"انسان" را روان راه می برد،
و "طبيب"
با دم مسیحایی اش،
به روان جان تازه می بخشد،
روان به تن.
و تو،
آن طبیبی.

✧ رضا را که بشناسی
زندگی را شناخته ای -
زندگی فردا را؛
زندگی دلخواه را.

او، هم عشق دارد،
هم امید،
هم توان کار کردن.
دانشی آینده نگر نیز.

✧ قدر فرخنده را که بدانی
قدر " آدم " را شناخته ای -
قدر زندگی را،
قدر دنیا را،
قدر بودن را -
انسان بودن را.

✧ دل ها که نزدیک بود،
فاصله ها کوتاه می شود،
دل های نزدیک به هم
فاصله ها را نمی بینند -
شاد باش های ما را
بپذیرید.

✱ شورایی بودن

شورایی ها را

دوست دارم -

می ستایم.

بچه هایی را

که بزرگ شده اند و

بزرگ هایی

که بچه.

بچه های بزرگی

که

کودک را

می شناسند،

می فهمند،

می ستایند،

می پرورند

و عزیز می دارند.

و

با بال های گسترده

“عشق و اندیشه”

از افق تا افق را

از مهتاب تا آفتاب را

پوشش داده اند.

✧ برای آن کس که

پا بر زمین دارد و

سر بر آسمان ساید،

آسمان های بازِ بازِ بازِ -

آسمانِ بازِ پرستاره،

پر از ستاره های

شور و امید و بخت

در هماهنگی دل و دست و زبان و اندیشه

آرزو می کنم.

✧ ستاره بخت بر بام خانه ات می رقصد،

پرتو عشق بر پنجره ات،

ستاره بخت را،

به میهمانی خورشید عشق بخوان.

✧ برای او که

لبخندش به پهنای گیتی است

اندیشه اش به بلندای آسمان

نگاهش تا کرانه افق.

✧ غمش مباد بزرگواری که
خوبی هایش شهره آفاق است و
مهربانی هایش آفتاب عالم تاب.

✧ برای زیبای آرام
و
موج احساس و محبت -
زندگی ای به گرمای مهر،
روشنایی خورشید،
و بلندای آفتاب،
آرزو می کنم.

✧ برای "تو"
سینه ای بی درد،
دلی بی غم،
و دنیایی به زیبایی دنیای دلت
آرزو می کنم.

✧ هر چه در جهان هست
اثرپذیر است و اثرگذار -

و تو،
با همه وجودت،
با زیبایی درونت،
آن چنان اثرگذار شدی
که بر اثرگذارها اثر گذاشتی.

✧ برای آنان
که اهرم سترگِ "تحول اندیشه" را
در دست های پرتوان خود گرفته اند،
برای آنان
که آثار ماندگار و تحول آفرین را
برای جامعه تشنه درک و فهم و راه یابی
زنده می دارند.

✧ برای تبلور "عشق و اندیشه"
آموزگار پایبندی و پایداری.

✧ خورشیدها بتابید -

بتابید بر دل های در سایه افتاده ما.

آسمان ها ببارید -

ببارید بر جگرهای نیم سوخته ما.

زندگی آفتاب می خواهد،

آب حیات.

✧ برای کسی آرزو می کنم

هر روزش

زیباتر از

هر روزش باشد

که

با نگاهش شادی می آفریند،

با رفتارش روح زندگی.

✧ چشم های شفاف را

می ستایم

نگاه های پرنفوذ را

نیز

اندیشه بلندت راه می گشاید،

احساس لطیف روح زندگی.

✧ امیدوارم

توان آن را داشته باشیم
که

بچه ها را،

ظرفیت بچه ها را،

دنیای بچه ها را

بشناسیم و بشناسانیم -

و یاد بگیریم

چه گونه آن ها را

در آسمان های صافِ بلند

به سوی افق های ناشناخته

پرواز دهیم.

✧ برای بزرگِ مردِ

دین و سیاست و تاریخ و ادب

که صدای گرمش،

چهرهٔ مهربانش،

فروتنی بزرگوارانه اش

لذت می بخشد و توان.

✧ برای آرش عزیز

زندگی ای

به رنگارنگی رؤیاهایش،

به پرباری اندیشه هایش،

به بلندی نگاهش

به استحکام اراده اش

آرزو دارم.

✧ شکوفه هایت

پر شکوفه باد

لبت خندان

آسمانت پرستاره -

ستاره های درخشان.

✧ آرزو دارم

آرزوهای تان را

یکی یکی در آغوش گیرید

و آرزوهای برتر

برای روزهایی بهتر

آرزو کنید.

✧ برای پیوند دل های تان
هوای تازه،
باران صفا،
آفتاب عشق
آرزو می کنم.

✧ امیدوارم همچنان پر قدرت بایستی و
گام هایت فرسنگی باشد.
لحظه شماری می کنیم که Δ ما را
آدم خوش قلب،
دوست داشتنی
و یاری دهنده
 $\square$ کند.

✧ سفری بر بال خورشید،
به سوی سرزمین آفتاب،
و دریای مهر
آرزو می کنم.

✧ دو دل داده برآند

که با پیوندی پایدار

زندگی را دوباره معنا کنند -

به آن روحی تازه بخشند

و

شرکت شما، در این شادمانی بزرگ،

آغازی زیبا

بر آن راه پر صفا خواهد بود.

✧ آینده ای

به طراوت دل پر صفایش

به بلندای نظر بلندش،

به زیبایی رفتار پرمهرش

آرزو می کنم.

✧ چهره ات

همواره

خندان باد -

که هست.

قامت افراشته

گام هایت بلند

آینده ات روشن -

به روشنی نگاهت.

✧ برای "ندا"

با امید آن که

ندای انسان دوستی اش

یک دور زمین را دور بزند.

✧ به شکفته گلی

که

با نگاهی مهربان،

لبخندی شیرین،

بیانی دلنشین

به زندگی

صفا می آورد و نشاط و آرامش.

✧ برای آن کس که

با پنجه هایش

زندگی را به رقص می آورد

و با آوایش

جان ها را.

✧ زندگی او را می سازد،
و او هشیارانه و مدبرانه
با عشق و اندیشه و
امید و پایداری
به آن سر و سامان می دهد،
زیبایی می بخشد و
ارزش بالیدن.

✧ خودش گُل
چهره اش گُل
خنده اش گُل -
گُل گُلها.
برای نسترن
آینده ای پر گُل
پر از گُل های زیبای زندگی
آرزو دارم.

✧ در پاکی کودک است،
در احساس نوجوان،
در رشادت جوان،
در اندیشه پیر خرد.

✧ استواری ات را دوست دارم،
اندیشه های بلندت را نیز -
اندیشه هایی
که زادگاه احساسی لطیف است.

✧ و چه زیباست
دیداری
که نگران پایانش باشی -
و تو،
امروز
- با آمدنت -
آن را آفریدی.

✧ سبز می شود
با اندیشه هایش،
گل می کند
با احساس لطیفش،
به بار می نشیند
با اندیشه و بیان و احساس لطیفش.

✧ تو

”روح زندگی“ داری؛

نشاط می آفرینی،

شور زندگی

و امید به فردا

فردایی

که در درخشش چشمان تو می خوانم.

✧ برای

پویندگان پویایی

که به افلاک پر می کشند،

برای نهالان پرباری

که به اعماق ریشه می دوانند -

آب و آفتاب و هوای تازه

آرزو می کنیم.

✧ آمدن تان

آمدنِ

بهار زندگی است -

خوش آمدید.

✧ وقتی می گویی

”می آیم“

رؤیاها را

به واقعیت نزدیک می کنی.

و وقتی می آیی

نمی دانم رؤیاست،

یا واقعیت.

✧ برای عزیزی

که

دیده اش دنیا را می بیند و

اندیشه اش آینده را؛

که از بالا به زندگی می نگرد و

از پایین آن را می سازد،

که می بیند و می شناسد و

می ستاید و می سازد

آن چه را دیدنی و شناختنی و

ستودنی و ساختنی است.

✧ زیبایی های درون
که به بیرون می تراود؛
زیبایی های بیرون رنگ می یابد -
و تو،

با زیبایی های درون،
زیبایی های زندگی را معنا کردی -
”زندگی زیباست.“

✧ فروتنی فریدون
شاخه های پربارش را
تا زمین فرود آورده است
و درخت هر چه به زمین نزدیک تر باشد،
خوش میوه تر است.

✧ با این امید که
”امید“
امید، امیدواران را برآورد
برایش
اندیشه ای پرتوان،
دلی پرنور
و راهی پرصفا
آرزو دارم.

✧ برای آن که

عشق را می پرورد و
اندیشه را می ستاید و
زندگی را می سازد -
با قدی افراشته
چهره ای باز،
لبی خندان
زبانی شیرین
گامی استوار.

✧ "شهرزاد"

قصه نمی گوید؛
"قصه" می آفریند -
قصه های پرشور زندگی
قصه های زندگی پرشور
قصه بودن؛
انسان بودن -
پر دل و پر مهر و پرتوان بودن.
روی پای خود بودن،
پای همه بودن.

✧ از او

جز لبخند،

جز سخن شیرین،

جز چهرهٔ باز،

جز دست پرمهر

جز صفای درون

ندیده ایم.

✧ ” تو را کی درس داد،

که درس آموز همهٔ ما شدی -

در صفا و صمیمیت و آرامش

خوشرویی و خوشخویی.

✧ برای او

که

نرم خویی اش را،

بردباری اش را،

صفای درون اش را،

گرمای وجودش را

همواره دوست داشته ام - ستوده ام.

✧ لادن

نه در نام

که در روح بلندش

گُل است -

گُلی که در سینه ها می روید.

✧ منوچهر که به پرواز می آید

کبوترهای عشق

زیر بال های او

سینه بر ابرها می ساینند.

✧ "زندگی"

وقتی زیباست

که تو آن را زیبا خواهی

و زیبا بینی

و تو، هم می خواهی و هم می بینی.

✧ راه های تان پرفضا باد؛

منزل های تان پرنشاط.

✧ برای آن کس که صادقانه و مسئولانه
کمر به زدودن زنگارها بسته است.
عمری به بلندای روزگار،
دلی به روشنی مهر،
راهی به تمیزی صبح
آرزو می کنم.

✧ زمین به پرواز آمد،
ستاره به رقص
خورشید چهره گشود
”خانه“ ات آغوش
تا تو
بر گونه های ”مهر“
بوسه زنی.

✧ برای کسی که گرمای وجودش
از دور و از نزدیک
گرمابخش دل ها بوده است.

✧ لبخندی به بزرگی همهٔ زندگی -
چون لبخند همیشگی خودشان -
آرزو دارم.

✧ برای چشمی که حرف می زند
پرتو مهر،
لطافت نگاه
و گسترش دید
آرزو دارم.

✧ برای نهال تناوری
که به اعماق می رود
تا به آب برسد؛
و سر به آسمان می کشد
تا به خورشید.

✧ خودمان این جا هستیم
و دل مان پیش شما.
در شادی شما شادیم.

✧ فرانک عزیز

تو،

عمر آدم ها را بلند می کنی -

با غنای اندیشه،

لطافت احساس،

سرعت عمل.

”سرعت“

امروز

حرف اول را می زند؛

اگر ”عشق و اندیشه“

پیشاپیش

راه گشوده باشند.

✧ ”انسان“ را

”کار“

انسان کرد

و تو با کارِ زیبای خود

زندگی را ”زندگی“.

✧ امیدوارم
واقعیت ها،
هر کدام،
برایت ”خاطره“ شوند.
خاطره ای شیرین،
دوست داشتنی
به یاد ماندنی
که با تو زندگی کنند.

✧ برای عزیزی که
دورخیز کرده است
بپرد؛
پروازی خوش
در آسمان های بلند و صاف
آرزو داریم.

✧ با امید برخورداری از نظرهای
هنرمند و شاعرِ سخن شناس.

✧ ادیب ادب پرور
 محبت شما، بار دگر،
 غنابخش کتابخانه های
 کودکان و نوجوانان و بزرگسالان شد.
 از جانب پویندگان دانشِ روز
 و اندیشه های نو،
 سپاس ما را،
 به نمایندگی دست های کوچک و
 ذهن های بازِ این به پاخاستگان تاریخ
 بپذیرید.

✧ امیدوارم
 در پایان راهی لذت بخش
 به آغاز راهی پُرنشاط
 رسیده باشید.

✧ به فرح سیمای عزیز
 که سیمایش فرح بخش است،
 و کردارش
 حرف دل دلدادگان.

✧ محصول اندیشیدن هایم را عرضه می کنم
تا

میوه های اظهار نظرتان را بچینم.

✧ برای ” گل “ های سرسبز و پرتراوتِ
دانش

و

هنر

و

ادبیات

باران خرد

آفتاب عشق

هوای تازه

آرزو می کنم.

✧ آسمان های پرستاره،

افق های روشن،

دو دلداده پرشور را

به میهمانی خوانده اند.

✧ برای تو

تنی

به طراوت همه شکوفه های بهاری،

لبخندی

به بزرگی همه زندگی،

روزگاری

به بلندای همه آرزوها

آرزو دارم.

✧ سفری پربار

سرشار از لذت

در بستر آرزوها

برای تان

آرزو دارم.

✧ آینده ای

به بلندای آسمان آرزوهایش،

به طراوت نوجوانی اش

آرزو دارم.

✧ اسم تو بیانگر
محبت،
گذشت،
فداکاری،
و دست و دلبازی است.

✧ برای مهران
و آینده های آینده سازش.

✧ میثاق تان، میثاق همیشگی باد
پیوندتان، پیوند دایمی.

✧ برای مانای عزیز
آینده ای
به دل انگیزی رؤیاهایش،
به بلندای آرزوهایش،
به پهنای توانایی هایش،
به روشنی نگاهش
آرزو دارم.

✧ امیدوارم

همواره

این روزهایت

”شیرین“ تر از

آن روزهایت

باشد

با سری پرشور

دلی پرنور

قامتی افراشته

گامی استوار.

✧ برای نازنین

آینده ای

به پرفشایی رفتارش،

به روشنی افکارش

به قامت آرزوهایش

آرزو دارم.

✧ دلت شاد

که شادی دل تو

شادی دل های

دل داده به توست.

✧ آینده ای

به بلندای گیسوی خورشید
به پهنای دامن آفتاب
به گرمای پرتو مهر
آرزو می کنم.

✧ آینده ای

به بلندای پرتو آفتاب،
به پهنای دامنه گیتی،
به زلالی چشمه کوهساران،
به سرسبزی دشت پرباران
برای تان آرزو دارم.

✧ برای میترا

دنیای بیرون را
به بزرگی دنیای درونش،
به شادابی لبخندهایش
به پرباری اندیشه هایش
آرزو می کنم.

✧ برای

جناب آقای دکتر مهدی قالیبافان

آینده ای

به پهنای دیدگاه های شان،

به بلندای آرزوهای شان،

به پرباری اندیشه های شان،

به پرفضایی رفتارشان

آرزو دارم.

✧ برای سولماز

آینده ای

به پرشور و حالی حالش،

به پرنشاطی رفتارش

آرزو می کنم.

✧ گیتار و آواز تو را

با گوشت و پوستم می نوشم —

با همهٔ یاخته ها و رشته های عصبی ام.

✧ برای عزیزی
که گفتارش
باده ای گواراست،

نگاهش
پرتو مهر -
برای سینای عزیز.

✧ آن چه شما بانی آن هستید -
انجمن ادبی - هنری -

در حقیقت
نفس تازه است
برای ریه های خسته.

✧ آینده ای
به پرباری اندیشه شان
به روشنی قلب شان
و به بلندی آرزوهای شان
آرزو می کنم.

✧ به مردی کتابم را هدیه می کنم
که بال گشوده است -
دنیا را بگیرد -
دنیای عشق و اندیشه و دانش و هنر را.

✧ دلش جوان است،
دلش مهربان است،
دلش پرنور است؛
دلش دریاست
و مثل دل بچه ها بلوری.

✧ آینده ای
به بلندای یال خورشید
به پهنای بال آفتاب
به گرمای دل مهر
برای تان آرزو دارم.

✧ برای "او"
که سایه اش روشنایی زندگی ماست.

✧ برای

بانویی

- که خود اسوهٔ معلمی بوده است -

آینده ای

با آسمان های پرستاره؛

ستاره های بخت،

آرزو دارم.

✧ شادی تان جاودان،

پیوندتان پایدار،

دل های تان با هم

جان های تان یکی.

✧ به گفتارشان،

به سجایای اخلاقی شان،

به منش و رفتار و بلندپروازی شان

دل دادم

آرزو می کنم

بال های شان همواره گسترده باد

و افق های شان روشن.

✧ به عزیزی

که زیبایی درونش به بیرون می تراود

و

عشق و اندیشه و امید و تلاش و پایداری
او را راه می برد.

✧ دستِ

او را

که دست در دست قلم به دستان دارد
از صمیم قلب می فشارم.

✧ آینده ای

به بلندای نظرشان،

به وسعت دیدشان،

به پرباری اندیشه شان

آرزو می کنم.

✧ آینده ای

به درخشانی ذهن پربارشان،

به گرمی دل پاکشان،

به پرفیایی رفتارشان

آرزو دارم.

✧ زندگی ای

به شیرینی آرزوهایش،
به بلندی اندیشه هایش،
به پاکی احساسش،
برای مونا
آرزو می کنم.

✧ به دنیا آمدن دنیایی تازه
- در ساعت ۶ صبح ۶ دی -
به آنان که امیدشان را
به او بسته اند
تبریک دارد.

✧ به چهره همیشه خندانی
که
با باران مهربانی
غبار غم از سیمای زندگی می شوید،
و در پرتو عشق
به آن جان تازه می دهد.

✧ عیدتان فرخنده باد
که "فرخنده" ما عید ماست.
نوروزتان هر روز.

✧ با تشکر از
مهربانی ها،
همکاری ها،
همفکری ها
و همدردی ها
دست تان را می فشاریم.

✧ پیوند پر شکوه تان
همواره
شکوفا باد.

✧ طراوت وجودتان،
لبخند دایمی تان،
شادابی پرشورتان،
دیدار همیشگی تان
آرزوی ماست.

✧ برای پویای عزیز

آینده ای

به بلندای اندیشه اش،

به گرمای احساسش،

به نیرومندی اراده اش

آرزو دارم.

✧ برای پردیس و حمید

آسمان روشن،

هوای تازه،

دل شاد،

دست پر،

پای پرتوان

آرزو می کنم.

✧ برای مصطفای عزیز

راهی به روشنی دل پرصفایش

زندگی ای به بلندی آرزوهایش

و اندیشه ای پر وزن تر از پرسش هایش

آرزو دارم.

✧ به پاکی،

به صفا،

به زیبایی درون،

به امید آینده،

به لعبت عزیز.

✧ آهوی عشق بر بام خانه ات پای می کوبد،

ستاره بخت بر پنجره ات انگشت.

✧ نیوشای عزیز را که

زیبایی او

درونی اوست -

در رفتار اوست -

در نگاه و در کلام و در لبخند اوست -

می ستایم.

✧ آرزو می کنم

لبخندتان که از ته دل

و به روی همه است

همیشگی باد.

✧ تبریک به کسی که
دست قلم به دستان را
می فشرد
و از گرمای وجودش
دل اندیشمند
و نویسنده
و هنرمند
گرمای تازه می گیرد.

✧ دل های تان شاد،
چشم های تان پرفروغ،
دست های تان باز،
پاهای تان پرتوان
پیوندتان پایدار.

✧ امیدوارم هر روز
شاعر و ادیب سخن دان -
بارها و بارها
بهتر از روز پیش باشد.

✧ برای تان

عمری به بلندای آفتاب

اندیشه ای به روشنایی خورشید

و عشقی به پاکی مهر

آرزو می کنیم.

✧ به این امید که

تو انسان نمونه،

”نمونه“ ساز تاریخ

پرتحول جهان بشری گردی.

✧ برای آن کس که

صداقت را

ستون کرده است

همیشه درخشندگی

پایداری

و سلامتی

آرزو می کنم.

✧ آن چنان
از دیدار و
از گفتارتان
لذت بردم
که دیداری بلند،
در فاصله ای کوتاه
آرزو دارم.

✧ تبسم دایمی تو
نشانی از صفای درون است
تبسم،
نشاط
و صفایت
همیشگی باد.

✧ برای بزرگواری که
مهربانی هایش
همواره
محفل ما را
پرنور نگه داشته است.

✧ به چهره همیشه خندان،
به انسان پرکوشش
و شادی آفرین -
به آریای عزیز.

✧ برای نادیا که "همواره" محبت کرده است
آرزوی
آرامش،
نشاط،
پیروزی
و بهروزی دارم.

✧ برای "او" که
صفای دیدارش صفای ماست.

✧ ژوبین عزیز،
امیدوارم همیشه
پرنشاط،
پرانرژی
و سرآمد باشی.

✧ زندگی تان پر بار باد،
نفس تان بلند،
لب تان خندان.

✧ برای علی عزیز
که همواره
چهره شادش
شادی بخش بوده است.

✧ آینده ای
به طراوت درون و بیرون وجودت،
به پرباری اندیشه هایت،
به زیبایی رفتارت
آرزو می کنم.

✧ آینده ای
به زیبایی رفتارتان،
به زلالی احساس تان،
به پرباری اندیشه تان
آرزو می کنم.

✧ آینده ای

به روشنی دل پاک تان،
به بلندی آرزوی تان
به پرباری اندیشه تان
آرزو دارم.

✧ پایدار باشید و ماندگار

سالم و پرتوان
پرنشاط و پرصفا -
صفای درون.

✧ به یمن دیدار امروز،

برای جوان پرشور و دوراندیش،
آینده ای

به پرباری اندیشه شان،
به لطافت رفتارشان،
به بلندای آرزوی شان
آرزو دارم.

✧ برای

جوانی

که دیدارش نشاط آور است

آینده ای

به طراوت جوانی اش،

به بلندی آرزوهایش،

به پرباری اندیشه هایش

آرزو می کنم.

✧ " اشرف "

نه در نام

که

در صفا،

در وفا،

در آرامش،

در بردباری

و لبخند همیشگی

بر ما "سر" است.

✧ برای عباس
جوانی پرشور،
پر بار
پرتحرک -
در اندیشه و کردار
آرزو دارم.

✧ آینده ای
به پرفیایی رفتارشان،
به درخشندگی نگاه شان،
به بلندای آرزوهای شان
آرزو دارم.

✧ سالم باشید و
پرتوان و
پرنشاط و
همیشه
محور گردش های بزرگ.

✧ راه های مان دور
دل های مان نزدیک
بر زبان مان تبریک.

✧ برای آن کس که
می درخشد و
پرتو می افکند -
پرتو مهر.

✧ برای مژگان
که لبخند دایمی اش
و غش غش باحالش
به زندگی روح می بخشد.

✧ انسان گرانبایه
آقای دکتر قاسمی
آغاز دومین "صد سال" پرتو افشانی تان را
تبریک می گویم.

✧ امیدوارم
شادی ات را
هر روز
بیش از هر روز
ببینم.

✧ و من آنان را دوست دارم
که زندگی را دوست دارند؛
”زنده“ بودن را،
مثبت بودن را،
انسان بودن را،
و سوار بر راهوار شادانِ زندگی
می رانند و
می سازند،
افتخار می آفرینند.

✧ آن را که می خواهی
می پسندم،
دوست دارم
می ستایم
به تصویر می کشم،
درشت می نویسم
و بالای سرم می گیرم -
آن را که می خواهی؛
می خواهم.

✧ استوار ایستادن

با خشک بودن

فرق دارد -

و تو، انعطاف آن را داری

که "استوار" بایستی.

✧ میوه را تا نچینی

به مزه آن پی نمی بری؛

و من که افکار تو را چشیده ام،

دنبال بقیه اش هستم.

✧ ریشه ات به اعماق رفته است،

شاخه هایت به آسمان،

ساقه ات ستبر است،

برگ هایت سبز،

و گل های رنگارنگِ

خوش رنگ و بویت

مادر میوه های امید

امید و پایداری

میوه هایی

که حیات می بخشند و توان زندگی.

پرنده های عشق
آسمان های صاف دریاها را پیمودند
تا به هم رسیدند

آن دو یکدیگر را می دیدند
می شناختند
دوست داشتند

ولی نه با چشم پیشانی
که با تمام وجود
آن دو

تازه نفس و پر آرزو
در جزیره "عشق" فرود آمدند

و امروز ما
همدلی و همگامی و همسری آنان را
جشن می گیریم
و از شما -

که زینت بخش این دست افشانی خواهید بود
تقاضا داریم
با حضور خود

گل سرسبیدی در این گردهمایی باشید.

می ستایم تو را
در گرد هم آوردن آدم ها،
در به هم گره زدن عاطفه ها،
داد و ستد اندیشه ها،
غنی تر کردن زبان ها،
قدرت بخشیدن به امیدها
از تنهایی درآوردن آدم ها.

۹۲/۲/۱۰/۱۰

می دانم که همه را دوست داری -
کوچک و بزرگ را.
مهربانی در همه پی و خونت جریان دارد.
وقتی پیشنهاد می دهی
یا کاری می سپاری
یا چیزی نمی پذیری
ابرویت گره نمی خورد،
صدایت بلند نمی شود،
و تحکمی در حرفت نیست
خود خودت هستی.

۹۲/۲/۱۱/۱۲

تاجر نواندیش،
برادر دوست داشتنی - ابراهیم
گردهم آوری هایت را؛
دوست دارم
می ستایم
بها می دهم
همراهی می کنم،
گرد هم آمدن انسان ها را،
یکی کردن دل ها
روی هم ریختن نیروها
شیرین کردن سخن ها
و بالا بردن اندیشه ها.
جمع شدن
به بهانه های مختلف
در جاهای مختلف
با آدم های مختلف -
همه پرسواد
پرتلاش
بلندپرواز
و نام دار.

۹۲/۲/۱۱/۱۱

”کار“ مقدس است –
 کاری که ثمر داشته باشد
 ثمری که رفاه و شادی و سرعت آورد
 کار با ذهن پر درست است
 کار با زحمت کم درست است
 کار با رضایت دیگران درست است
 و تو، کار را با ذهن آماده
 با دانش به مورد
 و با سرعت در خور
 به نفع خود و جامعه ات
 به پایان می بری.

۹۲/۲/۱۱/۱۳

خوشم می آید
 که همیشه
 با مهربانی و لطافت حرف می زنی –
 چه بخواهی چیزی را بپذیری
 یا رد کنی.
 فکرهایت را می کنی
 مقایسه هایت را می کنی
 حرف هایت را پیش خود می گویی
 و بعد لب می گشایی –
 آن هم با چهره ای شفاف.

۹۲/۲/۱۱/۱۱

بیایید

دل های مان را به هم گره زنیم،
اندیشه های مان را داد و ستد کنیم،
سخن های مان را شیرین و غنی کنیم،
و به امیدهای مان دامنه
و جلا بخشیم،
از تنهایی درآییم و
به جمع جورمان پیوندیم

و من، تو را، می ستایم
که دلت همیشه با جمع است
و روحت کمر بند دور آن ها.
۹۲/۲/۱۱/۱۱

و تو
واژه ها را
یک یک
از نو تعریف می کنی -
در فرهنگی که
زندگی را باشکوه تر می کند؛
شیرین تر
دلچسب تر
و پربارتر.

۹۲/۲/۶/۱۷

پشت دیوار باغ
پی سوراخی می گشتم
که از آن، داخل باغ را ببینم؛
آینده را

تو، دست هایت را قلاب کردی
زیر پای من گرفتی.
قد کشیدم؛

ولی به لب دیوار نرسیدم.
شانه ات را پیش آوردی
کف پا روی آن گذاشتم
به زحمت، دستم به لب دیوار رسید،
باز قد کشیدم.
این بار دستم به لب دیوار رسید،
اما چشم هایم،

با آخر دیوار فاصله داشت
دستم را به لب دیوار گرفتم
و با تمام نیرو
خود را بالا کشیدم

داخل باغ را دیدم -
اما چشم هایم را باور نمی کردم
با آن چه به نام "زندگی" داشتیم
بسیار فرق داشت.

تو، سرم فریاد کشیدی که
بپر
من هم به داخل باغ پریدم -
تو رسالت معلمی ات را تمام کردی
و من رسالت شادگردی ام را.

۹۲/۲/۱۲/۲۰

خیلی خوشحالیم؛
به خود می بالیم که
در چنین روزی -
به جمع ما پیوست
راهی جلوی پای ما گشود؛
راهی که وجب به وجبش
صفا است و زیبایی.
راه قرار نیست هموار باشد -
راه باید فرحبخش باشد
و زندگی آفرین

او با نگاهش
با لبخندش
با هنرش
با وقار و انسانیتش
با درایت و مدیریتش
چنان "مشکل" را تا زده
و زیر پا گذاشته است،
که پلکان شده.

او از دو روی سکه زندگی
به روی چشم دوخته است
که "فردا" را نوید می دهد.
راهی را که او آمده
ما می جوییم، می پوییم و می ستاییم،
او با آواز رسایش،
با گیتارش،
با شیرینی رفتارش؛
بر پیشانی ها نور می پاشد و
بر لب ها لبخند.
"واقعیت" را می بیند،
می شناسد،
می فهمد،
و آن را به "خاطره" ای شیرین
دوست داشتنی
و ماندگار
تبدیل می کند.

رویین تن است —
 رویین تن به معنای امروزی؛
 نیرومند ذهنی.
 فکرش خوب کار می کند —
 آستر و رویه هر چیزی را واری می کند؛
 اگر لازم باشد، آن را می شکافد
 به درون و بیرونش نگاه می کند
 مسیر حرکتی هر چیز را
 در اندیشه دنبال می کند
 هر بودنی را که شناخت
 راه های شدنش را پیدا می کند —
 “شدن” در راستای زیباتری
 با داوم تری
 اقتصادی تری
 عاطفه اش بسیار قوی است؛
 گسترده است و عمیق
 به همه زیبایی ها
 زیبایی های درون و بیرون.
 زیبایی هایی که
 به انسان روح تازه می دمند؛
 نشاط — چابکی
 امیدواری و پایداری

او،

احساسش جلو جلوی عقلش می دود
اما بی اندیشه قدمی بر نمی دارد،
”واقعیت“ را – آن طور که هست – می پذیرد؛
ولی هرگز تسلیم آن چه نمی پسندد، نمی شود.
واقعیت را

نادیده نمی گیرد،
انکار نمی کند؛
اما خواست و تمایل خود را –
تا آن جا که می شود –
عریان می کند.

بسیار پرتلاش است –
اما، در پرورش قوای ذهنی.
دانش کار خود را
در بالاترین وضع شناخته شده دارد
و ”تجربه“ به کارگیری دانش را
پشتوانه راه یابی های تازه کرده است.
فرهنگ کار کردن را،
فرهنگ مدیر بودن را،
فرهنگ با مردم بودن را
صفحه به صفحه می نویسد
و به اوراق تاریخ می دوزد.

او،

فرهنگ شاد بودن را،

فرهنگ اندیشیدن را،

فرهنگ راضی بودن را،

چابک بودن

رشد کردن، دوست داشتن

و هر چه انسان را انسان می کند

ارکان اصلی هر حرکت و کاری می داند.

یک او لذت بودن و خوشنودی برخوردار شونده است

و دو او

رضایت از بودن و لذت از کار تولید کننده.

برای او

زیبایی، استحکام، سرعت کار، با دوام بودن دسترس

بودن و اقتصادی بودن

ملاک ارزیابی و ارزشیابی هر تولیدی -

هر تولیدی که به زندگی شکوفایی و رفاه می بخشد

تولید باید روح هنری،

دانش روز،

و آینده بینی را

به میان مردم ببرد.

او،

توجه به جسم خود را
موازی پرورش فکری
بها می دهد و پاسداری می کند
کمک های مالی، کاری، آموزشی؛
و سایر گره گشایی ها
به دور از آگاهی دیگران
در پاسخ نیازهای شناخته و ناشناخته است.
او، به سال هایی
که پشت سر گذاشته است
می بالد؛

اما، توجه اصلی اش
به کاری است که در پیش دارد -
به انتظاری است
که از خود دارد.

او،

”کار خوب“ را
برای خوب ”داشتن“ نمی کند -
خوب داشتن را
برای کار خوب کردن می خواهد.
او مهندس محمدرضا انصاری است
که ۷۰ سال او را ستوده ایم.

۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

You are the sun,

I am the earth.

You are the earth,

I am the moon.

You are the moon,

I am the moonlight.

You're the "love",

And I'm ...

از

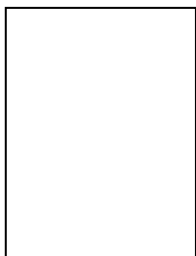
همین نویسنده

«برای آنان که می اندیشند»

منتشر شده است:

- ۱- تبریک های نوروزی ۱۳۸۲
- ۲- کوتاه نویسی ها ۱۳۸۳
- ۳- تو به من عشق ورزیدن یاد می دهی ۱۳۸۴
- ۴- آن روزها ... این روزها ۱۳۸۴
- ۵- پرنده های عشق ۱۳۸۵
- آواز مرا بخوانید ۱۳۸۵
- ۶- چه بنویسیم؟ ... چه گونه بنویسیم؟ ۱۳۸۵
- ۷- نگوییم ... بگوییم ۱۳۸۵
- ۸- وقتی کسی را دوست داری ۱۳۸۶
- ۹- ما داریم می رویم ... ۱۳۸۶
- او دارد می آید ۱۳۸۶
- ۱۰- داستان های گفتنی ۱۳۸۷
- ۱۱- هزار نکته ۱۳۸۷
- ۱۲- می خواهم زنده بمیرم ۱۳۸۷
- ۱۳- در رثای آنان که زنده اند ۱۳۸۷
- ۱۴- نگاهی دیگر ۱۳۸۸

- ۱۵- روی پاکت ها ۱۳۸۸
- ۱۶- نامه های پدر به پسر (۱) ۱۳۸۹
- ۱۷- نامه های پدر به پسر (۲) ۱۳۸۹
- ۱۸- انگیزه اندیشه ۱۳۸۹
- ۱۹- معلم "یاد گرفتن را یاد می دهد" ۱۳۸۹
- ۲۰- حُسن شناسی - حُسن جویی، حُسن گویی ۱۳۸۹
- ۲۱- ما را باش ... ۱۳۸۹
- ۲۲- فاقد نیستیم؛ واقف نیستیم ۱۳۸۹
- ۲۳- می مانم، ولی ... ۱۳۹۰
- ۲۴- مدیر و مدیریت - "سازمان دهی" ۱۳۹۰
- ۲۵- از "بودن" به "شدن" ۱۳۹۰
- ۲۶- کودک، خانواده، مدرسه ۱۳۹۱
- ۲۷- سخنانی کوتاه با مدیران ۱۳۹۱
- ۲۸- گفته های نوشتنی ۱۳۹۱
- ۲۹- ویژگی های یاد دهی، شیوه های یادگیری ۱۳۹۱
- ۳۰- پیام های نوروزی از نوروز ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۱ ۱۳۹۲
- ۳۱- انسان را کار انسان کرد ۱۳۹۲
- ۳۲- "اندیشه" میرابِ "عشق" ۱۳۹۲
- ۳۳- نوشته های پراکنده ۱۳۹۲
- ۳۴- جوان شدن، جوان بودن، جوان ماندن ۱۳۹۲



وقتی کسی را می ستایید
در آن چه ستودنی است بستایید -
در مهربانی ها
بلندپروازی ها
دست و دل بازی ها
در عمقِ نگاه
وسعت دید
گام استوار
در دوباره نگری ها
آینده بینی ها
در ”بت“ شکنی ها
نوآوری ها
اندیشه پروری ها.